

در مجموعه علوم انسانی، یکی از برجسته‌ترین علم‌ها دین‌شناسی است. یکی از جنبه‌های بارز این علم نیز مطالعات مربوط به حوزه دینداری است. دین‌پژوهی در جهان مسبوق به سابقه‌های طولانی و تاریخی است، در ایران نیز مخصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به فرهنگ حاکم بر اجتماع، پژوهش‌های فراوانی در این حوزه شکل گرفته است. از آنجا که دین اسلام زیربنائی‌ترین بخش فرهنگی کشور ما را تشکیل می‌دهد، این مطالعات حائز جایگاه و حساسیت ویژه‌ای در شاخه‌های مختلف نظام است. لذا صحت این مطالعات، مبحثی بسیار مهم و دارای اولویت است. از آنجا که مبانی و قواعد بسیاری از پژوهش‌های دینداری در ایران، متأثر از پیشینه و مدل‌های غربی شکل گرفته، ضرورت بازبینی، واشکافی و داوری نسبت به آن انکارناپذیر است. این مقاله با بیان نمونه‌هایی از تفاوت‌های ریشه‌ای ادیان مسیحی و یهودی با اسلام، نشان می‌دهد که بدون توجه به محتوای دین اسلام، امکان انحراف در تبیین دینداری و دین‌پژوهی بسیار زیاد خواهد بود. هدف این نوشتار، توجه دادن به دریافت بن‌مایه‌های دینداری از متن دین اسلام است. در این مقاله، با بیان نمونه‌هایی از ابعاد دینداری مورد توجه اسلام، که با نتایج حاصل از پژوهش‌های دینداری غربی هم‌خوانی ندارد، به روشن شدن این بحث کمک شده است. نتیجه اینکه در سنجش دینداری، نباید تفاوت بنیادین ادیان در سایه لفظ مشترک دین مغفول بماند. لازمه اندازه‌گیری صحیح، غیرانحرافی و معتبر دینداری و راه موقی اسلام‌پژوهی، توجه به فراگیری اسلام در تمامی صحنه‌های زندگی و دریافت معیارها و سنججه‌های دینداری از متن دین و با همان اوزان و رتبه‌هایی است که در خود دین تعیین شده است.

■ واژگان کلیدی:

دینداری، اسلام، سنجش دینداری، دین‌پژوهی.

گامی برای بهره‌گیری از محتوای دین اسلام در پژوهش دینداری (جنبه‌ای از تحوّل در علوم انسانی)

احمد فضائلی

استادیار دانشگاه امام حسین (ع)
ahmad.fazaeli@gmail.com

مقدمه

تحول در حوزه علوم انسانی، یکی از موضوعات زیربنائی است که در چند سال اخیر سرلوحه عزم جدی نظام علمی کشور قرار داده شده است. تحول در این حوزه دارای ابعاد فراوانی است که خیزش عمیق عالمان دانشگاهی و حوزوی را طلب نموده است. در میادین و عرصه‌های گوناگون این حرکت، حتی در جزئیات نیاز به کنکاش و بازشناسی است. یکی از ابواب ورودی به این تحول، توجه به دانش فراهم آمده موجود و غربال‌گری آن است تا نه بدون دلیل از مواهب آنها محروم و نه بی‌مهابا در دام محصول آن گرفتار شویم. بدون شک، یکی از موارد علوم انسانی که نیاز به توجه دارد، روش‌ها و ابزارهای تحقیق در حوزه علوم انسانی است. براین اساس، این مقاله برآن است تا در حوزه دین‌پژوهی^۱، به کنکاش بپردازد و سؤال این است که: آیا بدون توجه به مبانی تأسیسی مربوط به ابزار و روش‌های پژوهش در حوزه دین‌پژوهی، می‌توان از آنها انتظار داشت که در محیط فرهنگی اسلامی اعتبار و روائی داشته باشند؟ پاسخ، با غور در پژوهش‌های این حوزه، قابل احصا خواهد بود.

پژوهش در حوزه دین نه امری است جدید، بلکه همواره در تاریخ انسان سابقه داشته است. موضوعی که در جوامع و ملت‌های گوناگون، به دلیل اثربخشی آن در بسیاری از حوزه‌های عمل فردی و اجتماعی حسّاس و جنبه تعیین‌کننده دارد. این موضوع نیز به همراه تغییر و تحوّل که در دوران معاصر در علوم حاصل شده وارد میدان جدیدی گردیده و به همت روش‌های مرسوم علمی، روشمندی، ابزارمندی و کمیّت‌گرایی را پذیرفته است. شاید قدیمی‌ترین تحقیقات در این حوزه و در این دوره، متعلّق به توله^۲ در سال ۱۹۳۵ باشد که به دنبال تعیین میزان اطمینان (قلبی) افراد در باور دینی بوده است که البته هیچ گزارشی از اعتبار و روائی آن در دست نیست. این رویکرد، از اواسط قرن گذشته با رشد و توسعه روش‌های تحقیق، رنگ مقیاس‌های کیفی را نیز برتابیده و به شیوه‌های عمیق‌تر رو آورده است (هیل و هود^۳، ۱۹۹۹). با توجه به جغرافیای رشد علوم نوین، بدیهی است که محل احیاء این روش‌ها برای اندازه‌گیری دین و دینداری، مغرب زمین است. با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی در ایران، از بهمن سال ۱۳۵۷، موضوع دین و دینداری اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین محور حیات فردی و اجتماعی و مزیت راهبردی^۴ این کشور تلقی می‌گردد. هرچند آغاز مطالعات دین‌پژوهی در ایران با متدلوژی‌های نوین، شاید از سال ۱۳۵۲ بوده است (علوان آبادی، ۱۳۵۲)، اما رونق آن را از بیش از دو دهه قبل نمی‌توان مشاهده نمود. به‌عنوان نمونه، کاظمی و فرجی که در مورد دین‌پژوهی پیمایشی انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که: «... اگر نگوئیم همه، غالب آنها در دهه هفتاد به انجام رسیده‌اند. در

۱. در این مقاله، دین‌پژوهی را اگر «عموم» اطلاق کنیم، سنجش دینداری در زیر مجموعه آن قرار دارد و «خصوص» تلقی می‌شود.

2. Thouless
3. Hill & Hood
4. Strategic preference.

این میان سال‌های ۸۱ تا ۸۳ بیشترین تعداد تحقیقات را به خود اختصاص داده‌اند» (۱۳۸۸: ۲۰۹). به فرض صحت این استنتاج، هرچند با تأخیر، توجه به کارهای علمی در این زمینه نیز رونق یافته و بهره از تحقیقات متنوع، مخصوصاً در قالب پیمایش‌ها وارد میدان شده است. سیر رشد این خواسته و شناخت فزاینده این نیاز و اقدامات لازم متناظر با آن، می‌طلبد تا برای برآورده شدن آن، سرمایه‌گذاری اصولی در این حوزه صورت پذیرد. از آنجا که خاستگاه این نوع پژوهش‌ها غرب بوده است؛ به تبعیت از آنها کار تحقیق در ایران نیز همراهی و هم‌رنگی فراوانی را اخذ نموده است. اینکه آیا این پیروی، ایجاد خطا در محصول می‌نماید و اگر می‌نماید، گریزگاه مطمئن و مأمّن پرهیز از خطا را چگونه باید تأمین نمود، سؤال است که این مقاله بدان پرداخته است. از آنجا که محصول تحقیقات دین‌پژوهی دست‌مایه قضاوت نسبت به دینداری جامعه و احیاناً مبنائی برای برنامه‌ریزی دلسوزان نسبت به اعتقادات مردم خواهد بود، ملاک و معیارهای به‌دست آمده باید حتی‌الامکان عاری از ایراد و اشکال باشد. از این‌رو، ضرورت پرداختن صحیح و حصول نتایج قابل‌اعتماد، طلب می‌کند که محتوا و روش‌ها، اولاً مخالفتی با آئین مبین اسلام نداشته باشد و ثانیاً حتی‌المقدور با آن انطباق داشته باشد.

آنچه که اندازه‌گیری‌ها را دچار اشکال می‌نماید

همان‌گونه که گذشت، تقسیم‌بندی‌های مرسوم برای اندازه‌گیری دین و دینداری، تحت عناوین مختلف، ابعادی را معین و به اجرای پژوهش اقدام نموده‌اند.

در مطالعه تحلیلی از سنجه‌های دینداری در ایران، ابعاد دینداری را در ذیل مفاهیم: مناسک و رفتارهای دینی؛ اعتقادات دینی؛ تجربه‌ها و عواطف دینی؛ آگاهی‌ها و دانش دینی؛ پیامدهای دین و ارزش‌های دینی ارائه نموده است (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸: ۲۱۱). همچنین، در حوزه دینداری، آذربایجانی (۱۳۸۲) در یک تقسیم‌بندی که بر روی مجموعه‌ای از اندازه‌گیری‌های رایج جهان انجام داده است، انواع مقیاس دینی موجود را در ذیل: اعتقادات، اعمال، جهت‌گیری، رشد، تعهد، نقش در زندگی، تجربه، ارزش و اخلاق، نامگذاری و تنظیم نموده است، که علیرغم تفاوت‌هایی که بین این دو جمع‌بندی وجود دارد، هر دو در حوزه مورد بررسی خود جامع و برای ورود به مبحث مکفی از اطاله کلام است.

برای بازگشائی محلّ احتمال خطا، ضعف و اشکال مورد نظر در این مقیاس‌های متداول، ابتدا به تحلیل نوع نگاه به شاخص‌ها و اوزان آنها، در اندازه‌گیری‌های متداول پرداخته می‌شود.

۱. اندازه‌گیری متداول

از تقسیم‌بندی‌های جامعی که خواسته است تمام ابعاد دینداری را اندازه‌گیری و تعیین میزان نماید، مقیاس پرترفدار پنج مقوله‌ای (یا پنج بعدی) گلاک و استارک^۱ (۱۹۶۶) است که تحت

عناوین باورها (عقیده)، مناسک (رفتار دینی)، تجربه (احساسات و هیجان)، دانش (عقلانی) و پیامدها تنظیم گردیده است. بهره‌برداری از این مقیاس آنچنان گسترده شده است که بعضی محققین به‌زبان اعتراض آن را اسطوره‌سنجه‌های گلاک و استارک نامیده‌اند (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸: ۲۱۳). البته هر کدام از این حوزه‌ها را سایر دانشمندان با روش‌های تحقیق متنوع و در قالب سنجه‌هایی دیگر پیموده‌اند. این ابعاد در بعضی از تحقیقات (نظیر: هوگ^۱، ۱۹۷۶؛ کرنوال^۲، ۱۹۸۶ و لوکو^۳، ۱۹۹۷) با تمرکز بیشتر بر رفتار دینی شکل گرفته است. اولین نکته بدیهی سابق‌الاشاره این است که آنچه به‌عنوان دین و دینداری در تحقیقات فراوان غرب مطرح است در ذیل مسیحیت^۴ و آموزه‌ها و رفتارهای مبتنی بر آن بوده و با تفاسیر و زیربنای نگرشی موجود در آن فرهنگ پردازش شده‌اند. این پارادایم دینی با آنچه که در اسلام مطرح است به‌طور عمیق و در لایه‌ها و سطوح مختلف، دارای اختلاف است.

از طرفی، شاید بدیهی به‌نظر رسد که محققین کشور ما در حوزه دین‌پژوهی، به علت پیشتاز بودن علمای غرب، از مدل و الگو و تقسیماتی که آن پیش‌قراولان داشته‌اند، استفاده کنند. همین امر باعث شده است که تعداد رو به تزاید تحقیقات دینداری در کشور نیز با رویکردهایی غالباً متناظر و مشابه با تقسیمات رایج در سابقه این امر در جوامع علمی مغرب زمین تحقق یابند. مثلاً به‌نظر کاظمی و فرجی، مقیاس‌های چند بعدی دینداری در ایران بیشتر از مدل‌های معروف دینداری مثل مدل گلاک و استارک (۱۹۶۶)، مدل فالکنر و دی‌جانگ^۵ (۱۹۶۶) و لنسکی (۱۹۶۱) ملهم‌اند (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸: ۸۳).

البته دور از انتظار نیست که این سوابق علمی غرب پایه، روائی و اعتبار لازم را برای پوشش دادن بخش‌های مشترکی که در بررسی همه ادیان الهی وجود دارد توانائی مناسبی را پدید آورده باشد. اما باید اذعان نمود که تفاوت‌های زیربنائی این ادیان ابراهیمی (مخصوصاً دین اسلام با مسیحیت)، جستجوی ویژه متناسب با فرهنگ و مبانی این دین را که تأثیرگذار بر موضوعاتی نظیر رویکرد، روش، محتوا و ابزار و شاخص‌هاست طلب می‌نماید.

مشکل خاستگاه

همان‌گونه که ذکر شد، هر چند مبانی مشترک ادیان فراوان است، اما حوزه افتراق آنها، مخصوصاً

1. Hoge
2. Cornwall
3. Luckow

۴. از آنجا که در آئین مسیحیت کتاب تورات (Old Testaments)، بخشی از وحی مورد عمل و مورد قبول آنها تلقی می‌شود، تفاوت سرنوشت‌ساز و بنیادین کمتری را از طرف مسیحیت با یهودیت شاهد هستیم. درحالی که تفاوت دین اسلام و این دو دین چشم‌گیر است. لذا در این موضوع وقتی سخن از مسیحیت است، مسامحتاً، در برگیرنده یهودیت نیز تلقی شده است.

- 5 Faulkner & DeJung

۶. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ (۶۴ آل عمران).

در مبانی، اصول، عمق و حوزه‌های نفوذ، بسیار است. شفاف‌سازی این تفاوت در بین دین مسیحیت و اسلام، راهگشای رفتن به سوی مقیاس‌های متناسب با حوزه دینداری در اسلام خواهد بود. این موضوعی است که بعضی از دانشمندان این حوزه در ابعادی از آن، قبلاً راهگشائی نموده‌اند (به‌طور مثال: شجاعی‌زند، ۱۳۸۴ و آذربایجانی، ۱۳۸۲).

منابعی که مقیاس‌های دین و دینداری را تدوین و تنظیم نموده‌اند (نظیر: هیل و هود، ۱۹۹۹؛ پارگامنت و اولسن^۱، ۱۹۹۲ و پارگامنت، هارولد، کوینگ و پرز^۲، ۲۰۰۰) و تحقیقات موضوعی در این حوزه (نظیر کار: کوئینگ، لیندا و پترسون^۳، ۱۹۹۸؛ اکسمن، فریمن و مانهایمر^۴، ۱۹۹۵ و...) و همچنین تلاش‌های پژوهشی داخلی (نظیر: گلریز، ۱۳۵۳؛ جان‌بزرگی، ۱۳۷۸؛ خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۷۸؛ بهرامی، ۱۳۸۰؛ آذربایجانی، ۱۳۸۲ و بخشی از سه موج اندازه‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۳ و...) که به حوزه دین و دینداری پرداخته‌اند، منابع گرانبھائی هستند که برای شناخت و به‌توصیف کشیدن دین و دینداری ملت عزیز ایران، در ابعادی پشتوانه تلقی می‌شوند. هر چند اهمیت تلاش‌های انجام شده قابل انکار نیست ولی استفاده بی‌مهابا از مدل‌های رایج در دست دین‌پژوهان مغرب زمین، نقد واردی است. این امر تا آنجا گسترش یافته که محققینی از اسطوره شدن این مدل‌ها ابراز نگرانی کرده‌اند (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸).

این درحالی است که، در نگاه درون‌دینی اسلام، بن‌مایه‌هایی که اندازه‌گیری نمودن آنها موجب تشخیص دین و دینداری است محلّ تدقیق و تأمل است. دین مبین اسلام در کتاب و حیانی خود قرآن ندا داده است که: «فیه تبیان کُلِّ شیء» و لذا در تبیین خود غافل نبوده و تعیین مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها، اولویت‌ها، شاخص‌ها و اوزان دین و دینداری، را خود عهده‌دار است. از آنجا که محورها و اولویت‌های اندازه‌گیری برای تعیین وزن و وضعیت دین و دینداری جوامعی که مورد تحقیق ما قرار می‌گیرند، به‌جهت جلوگیری از انحراف حائز اهمیت است، این راهنمایی از درون اسلام راهگشا و تعیین‌کننده خواهد بود.

تعریف دین و دینداری

الف: دین

تعاریف از دین فراوان است به‌طوری‌که دانشمندان در مورد این تعاریف مجبور شده‌اند و طبقه‌بندی‌های متنوعی برای آن ارائه دهند. در یکی از این تقسیم‌بندی‌ها (همّتی، ۱۳۷۹: ۲۰-۲۱)، تعاریف دین، به انواع ماهوی، توصیفی، هنجاری و ارزش‌گذارانه و تعاریف‌های ترکیبی و مختلط از این چهار نوع، طبقه‌بندی شده است. هر چند هدف این نوشتار، کنکاش در تعاریف دین نیست، لیکن از باب ورود به مبحث و گشایش دریچه‌هایی که بازشکافی و تدقیق در این موضوع

1. Pargament & Olsen
2. Pargament, Harold, Koenig, & Perez
3. Koenig, Linda & Peterson.
4. Oxman, Freeman, & Manheimer.

را امکان پذیر سازد، مختصراً بدان پرداخته می شود. یکی از تعاریف مشهور، متعلق به پیترسون است که مورد ارجاع کثیری از تحقیقات در این زمینه است. بنا به نظر او: «دین مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی است که حول مفهوم حقیقت غائی سامان یافته است» (پیترسون و همکاران، ۱۳۶۷: ۲۰). در این تعریف از دین، مجموعه‌ای از مفروضات مورد باور، رفتارهای مبتنی بر آن و عواطف و احساسات منبعث از آن در حول یک هدف مقدس منظور شده است. این حوزه‌ها را به عبارتی دیگر، در ادبیات رایج می توان به: باورها (اعتقادات)، بینش‌ها، نگرش‌ها، عبادات (مناسک) و محبت (احساس و عاطفه) و عشق (عامل ایثار) تفسیر نمود. با این وصف، این تعریف تقریباً بسیاری از جوانب مورد نظر محققین این حوزه را تأمین نموده است.^۱

مروری بر ابعاد دین و دینداری در الگوهای موجود

هرکدام از الگوها، بنا بر مقدمات و مداخلی که از دین ارائه داده‌اند و با تکیه بر آموزه‌های کتب مقدس و راهنمایی دانشمندان و منابع گوناگون عقلی و ذوقی آن دین و آئین، به تبیین ابعاد دین پرداخته‌اند. در این مقاله نگاهی مختصر و نافع در این باب، اکتفا به مقصود خواهد نمود که در حد جدول جمع‌بندی زیر ارائه می گردد.

جدول ۱: ابعاد دینداری

				عمل	عواطف	عقاید	گُنت ^۲
			اجتماعی	عمل	عواطف	عقاید	لئونا ^۳
			معاشرتی	مناسکی		عقیدتی	واخ ^۴
			اجتماعی	مناسکی		عقیدتی	دورکیم ^۵
		ارزشی		رفتاری		اعتقادی	گلاک و استارک
مادی	اسطوره‌ای	اخلاقی	سازمانی	مناسکی	تجربه دینی	عقیدتی	اسمارت ^۶
سیاسی	ماوراء طبیعی	اخلاقی	نهادی	مناسکی	فردی	اعتقادی	کرافورد ^۷

شجاعی زند (۱۳۸۴: ۴۰)

در اینجا تفاوت ابعاد دینداری که منبعث از اختلاف آراء این دانشمندان دین پژوه غربی ارائه گردیده است نیازمند بحث و استدلال است، که از موضوع این نوشتار خارج است. آنچه

۱. اندیشمندانی نظیر فارب (۱۹۷۷) دینداری را معادل اهتمام دینی دانسته که نگرش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های فرد را سامان می‌دهد. این نوع تعاریف نیز با تعریف ارائه شده در این متن قرابت زیادی دارند.

2. Cont
3. Leona
4. Wakh
5. Dorkhime
6. Smart
7. Craford

که در مقایسه ابتدائی می‌توان متعزّض آن شد التقاطی است که در این تقسیم‌بندی‌ها بر اثر اتخاذ از حوزه‌های مختلف علم، از جمله جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در آنها وارد گردیده است. شجاعی‌زند (۱۳۸۴: ۵۲) پس از بررسی انتقادی، نظر جمع‌بندی شده خود را در دینداری در پنج بعد: عقیده، ایمان، عبادیات، اخلاق و شرعیات معرفی می‌نماید. نکته حائز اهمیت اینکه در این جمع‌بندی، هیچ اشاره‌ای به مأخذ یا مأخذ این تقسیم‌بندی از منابع دینی نشده، ضمن اینکه در ادبیات دینی اسلامی مفاهیم عقیده و ایمان از یک‌سو؛ و عبادیات و شرعیات از سوی دیگر، مرز مفهومی شفاف را نشان نمی‌دهند و لذا این تقسیم‌بندی به‌نوعی قرارداد علمی شباهت یافته است که البته در جای خود حائز اهمیت است.

ابعاد دین از نظر علمای اسلام

ابعاد مدنظر اسلام به تنوع ابعاد انسان است. علمای اسلامی در ذیل مفهوم قرآنی فقه، تقسیم‌بندی سه‌گانه: عقاید، اخلاق و احکام را ارائه داده‌اند (به‌طور نمونه؛ علامه طباطبائی، ۱۳۴۲؛ مطهری، ۱۳۶۸ و مصباح‌یزدی، ۱۳۷۷)، که در آراء بعضی از آنها به: فقه اکبر، فقه اوسط و فقه اصغر نیز تعبیر شده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴). این تقسیمات برای پوشش دادن جامع به کلیه حوزه‌های وجودی انسان از نظر دین اسلام صورت گرفته است.^۱ در تقسیم‌بندی اخیر هم که کاظمی و فرجی (۱۳۸۸) با یک فراتحلیل بر روی مجموعه مقیاس‌های دینی سنجش شده در ایران انجام داده، توانسته است آنها را در سه حوزه: اعتقادات دینی، ارزش‌های دینی و مناسک دینی، طبقه‌بندی نماید که به نوعی با تقسیم‌بندی سه حوزه اعتقادات، اخلاق و احکام تناسب دارد، هرچند فاصله‌هایی از این تقسیم‌بندی مخصوصاً در تطبیق مناسک و احکام، در آن مشاهده می‌شود.

تفاوت محتوایی با ادیان یهودی و مسیحی

آنچه که اهمیت ویژه دارد، نه این اشتراکات لفظی است که مبنای تقسیم‌بندی‌ها قرار گرفته‌اند بلکه ممکن است این مفاهیم ظاهراً مشابه با مفاهیم مستعمل در سایر ادیان، متعلق کاملاً متفاوتی داشته باشند. به عبارتی؛ آنچه که مهم است، مربوط به معانی ویژه مربوط به این مفاهیم در اسلام است که با آنچه که در نزد مسیحیان و یهودیان است تعایر اصولی دارد.

ب: دینداری

مفهومی که بلافاصله در پس دین مطرح می‌شود، دینداری است، که غالباً پژوهش‌های جامعه‌شناسی معطوف به آن است. ابعاد این مفهوم در گستره پیچیده‌تری، در تحقیقات رخ می‌نماید. دینداری

۱. با توجه به اینکه دستیابی به یک تقسیم‌بندی جامع، خود مبحث مستقلی است که نیاز به استخراج دقیق و کنکاش همه‌جانبه‌ای دارد ولی به‌عنوان یک مرحله گذر، این تقسیم‌بندی سه‌گانه در اینجا محور بحث قرار گرفته است.

در قالب پایبندی به دین، به معنای التزام به فرامین دینی و ظهور نتایج این التزام مورد مذاقه قرار گرفته و واژه‌هایی نظیر اهتمام دینی و پیامدهای دینی نیز در ذیل این موضوع مطرح شده‌اند (به‌طور مثال: لِنسکی^۱، ۱۹۶۱؛ گلاک و استارک، ۱۹۷۰؛ هیمل‌فارب^۲، ۱۹۷۴ و...). محیط حاکم بر هر یک از این مفاهیم نیز محصول جمع‌بندی از نتایج تحقیقات و پیمایش‌ها (به‌طور مثال، کورن‌وال در مدل خود، پس از تحلیل عاملی نتایج، مدل شش بعدی استخراجی را به هفت بعد تبدیل نموده است) و یا با برداشت از حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی (مثلاً: در همان الگوی کورن‌وال، با مطالعه جامعه مرمون‌ها، بعضی ابعاد را تغییر داده است).

شجاعی‌زند (۱۳۸۴) در یک واکاوی از مدل‌های گوناگون غربی، در شش سرفصل، فاصله‌دار بودن شاخص‌های معرف دینداری این الگوها را از آنچه که در اسلام مورد نیاز است نشان گرفته، که حداقل عدم اکتفای به آنها را می‌توان از آن دریافت نمود. مخصوصاً با توجه به آنچه که در ابعاد دین گذشت، دایره و جغرافیای عمل دیندار در اسلام و در سایر ادیان (مسیحی - یهودی) تفاوت می‌یابد. این تفاوت، هم مفاهیم را دگرگون می‌سازد، هم محتوای آنها را تغییر اصولی می‌دهد و در نتیجه الگو و مدل نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. برای واکاوی دقیق‌تر، به‌نظر می‌رسد یکی از ورودی‌های مهم تفاوت در تعاریف مفاهیمی است که در حوزه دین و دینداری به‌کارگیری می‌شوند.

تعاریف

البته، تعاریف، حجم معتناهایی از فعالیت علمی در این حوزه را به خود اختصاص داده و لذا عاقلانه آن است که این تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مربوط به آن، در تلاش‌های علمی مورد بهره‌برداری قرار گیرند. لذا در جای خود ضرورت پرداختن عالمانه به آن همچنان باقی است و کار موسع و منظم بیشتری را از دیدگاه‌های نوین و مرتبط با نگاه متخذ از اسلام طلب می‌نماید. حوزه این تعاریف نیز غالباً شباهت صوری دارند لیکن، این محتوا و توضیح و توصیفات موسع هر جزء از این مفاهیم است که دریائی از تفاوت‌ها را در محیط و فضای فرهنگی هر کدام از ادیان و از زبان درون‌دینی ایجاد می‌نماید. تا آنجا که مفاهیم اولیه و اصلی دینی نظیر: خدا، رسول و وحی، عبادت، تزکیه، علم و... تنها مشترکات لفظی در بین ادیان‌اند که در عمق بایکدیگر مغایرت‌های اصولی دارند. به تعدادی از این مغایرت‌ها فقط از باب اشاره، توجه خواهد شد.

خدا

خدا، معبود و محبوب اصلی ادیان ابراهیمی است. اما مع‌الاسف، این معبود در دین‌های به‌جای‌مانده در جهان امروز، تفاوت بنیادی دارند. به‌طور مثال: از لحاظ ظاهر، در دین مسیحی به‌تبع از یهود، معبود، موجودی شبیه انسان است که انسان را مشابه و از روی خود ساخته

1. Lenski
2. Himmelfarb

است^۱. جسمانیت خدا در این دین شرح داده شده است. او در جایگاه پدر^۲، ایفای نقش می‌نماید. تصویر خدا به راحتی ترسیم می‌شود و در کتب، تابلوها، مجسمه‌ها، در کلیساها و معابد، ارائه می‌شود و قابل مشاهده است. به همین دلیل، خداوند می‌تواند دارای فرزند هم باشد، مثلاً: آدم^۳ (علیه‌السلام) و مسیح^۴ (علیه‌السلام) در این دین فرزندان خدا نامیده شده‌اند. این در حالی است که در اسلام، چنین تصویری از خدا معادل کفر و خروج از دین است. معبود اسلام، خداوندی است بری از جسم و ماده، در تمامی اشکال و صورّات ذهنی انسان از مادیت و جسمانیت. در هر مورد از خداوند بحث شود، این دو دین بایکدیگر تطبیق نشان نمی‌دهند.

وحی

در ادیان مسیحی و یهودی، موضوع وحی، با آنچه که در اسلام مطرح است متفاوت است. در کتاب تورات، بسیاری از آنچه که مکتوب شده، از نظر محققین دین‌شناس، مرجع، مأخذ و بیان‌کننده آن معلوم نیست و تنها حدس و گمان‌هایی در مورد آنها وجود دارد^۵. کتب اربعه مسیحی نیز تماماً بیانات و نوشتارهای تعدادی از معتقدان اولیه به آن دین است در مورد آنچه که شنیده‌اند و دیده‌اند^۶. در این مکتوبات، سخنی از نقل مطالبی که حضرت عیسی (علیه‌السلام) از خداوند به واسطه وحی دریافت کرده و به صورت خالص فقط کلام خدا باشد نیست. البته در کتاب عهد عتیق، ردّ پائی از این موضوع به همراه ناخالصی‌های فراوان (مثل ده فرمان) دیده می‌شود. این در حالی است که در دین اسلام، با دقت و ظرافت تمام، آنچه که وحی نامیده می‌شود، مستقیماً همان است که از جانب خداوند بر پیامبر نازل شده و پیامبر هم تمام و کمال بدون ذره‌ای دخل و تصرف و به صورت تضمینی^۷ (به صورت قرآنی که هم اکنون در دست ماست) در اختیار تمام بشریت نهاده است. در اسلام، با ظرافت تمام از وحی تا آنجا صیانت شده است که حتی کلماتی که از جانب پروردگار بر پیامبر نازل شده و بنا به امر خداوند جزء

1. Gen. 1

[26] And God said, Let us make man in our image, after our likeness

[27] So God created man in his own image, in the image of God created he him.

2. 1Cor. 1

[3] Grace be unto you, and peace, from God our Father.. (47 cases)

3. Luke. 3.....which was the son of Adam, which was the son of God

4. Matt. 27

[43] He trusted in God; let him deliver him now, if he will have him: for he said, I am the Son of God. (50 cases)

۵. در ابتدای کتاب تورات (Old testament)، در هنگام معرفی مؤلفین کتب زیرمجموعه تورات، غالباً با کلماتی مانند: ناشناخته؛ گفته می‌شود که...؛ شاید که... نویسندگان را معرفی می‌نماید و در هیچ مورد قطعیتی را بیان نمی‌نماید (کینگ جینز، قرن ۲۱).

۶. نویسندگان اناجیل چهارگانه (New testament) همگی چند دهه پس از پایان حیات حضرت عیسی (علیه‌السلام) کتب خود را تهیه کرده و غالباً با ذکر اینکه مطالب ارائه شده شنیده‌ها و برداشت‌های آنهاست براین امر صحه گذاشته‌اند.

۷. انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون

قرآن نیست (تحت عنوان احادیث قدسی) شأن و جایگاه متفاوتی دارند. این تفاوت چشم‌گیر و زیربنائی در مورد وحی، موجب شده که در کتب تورات و انجیل موجود، مجموعه‌ای از الهامات عمومی، دانسته‌ها، مکاشفات و دست‌نوشته‌ها و نامه‌های افراد، به‌عنوان کتب الهی قلمداد شوند و دخل و تصرف در آنها به‌راحتی در نقل و انتقالات از زمانی به زمان دیگر و از زبانی به زبان دیگر ایجاد شوند و در نهایت هم، همه آنها تحت عنوان «کلام خدا» ملحوظ شوند.^۱ تفاوت در این سرچشمه، به‌صورت بنیادین همه چیز این ادیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدیهی است اندازه‌گیری اعتقاد به‌وحی نیز در این ادیان ابزار متفاوت و متناسب با خود را طلب می‌نماید.

علم

در دو دین مسیحی و یهودی، علم منهی خداوند است و رفتن به‌سمت آن مبنای شیطانی داشته و آغاز عالم شدن انسان با وسوسه شیطان صورت گرفته است.^۲ این وسوسه که در آن شیطان پیروز میدان است منجر به دانشمند شدن انسان و معرفت او به خوب و بد (ارزش‌ها) می‌گردد.^۳ چیزی که خداوند برای انسان نپسندیده بود و او را از آن منع نموده بود درخت علم بود.^۴ با همین مقدمه ورود انسان به حوزه علم، از طرف معبود ممنوع تلقی و عصیان محسوب می‌شود. این در حالی است که، علم در اسلام نوری است که خداوند آن را به‌عنوان امتیاز انسان بر تمامی خلایق برای انسان پسندیده و به او عطا کرده است. در قرآن این علم است که خداوند به‌واسطه آن انسان را مسجود ملائک نموده است.^۵ به‌عبارتی؛ عامل قرار گرفتن انسان در افق بالای هستی و وادار نمودن ملائک به سجود، یعنی کمال تواضع و بندگی در مقابل انسان در اسلام «علم» انسان است. بنابراین علم در آن دو دین مسیحی و یهودی، یک موضوع ضد ارزش‌های دینی است که ریشه عصیان انسان در مقابل خداوند است، در حالی که در اسلام بالاترین ارزش دینی است. این تفاوت از زیربنائی‌ترین تفاوت‌های این دو دین است که در نظام اندازه‌گیری‌ها دخالت می‌نماید. یعنی، در یک دین به‌دنبال علم بودن عصیان و گناه و در دیگری بزرگ‌ترین عبادات تلقی می‌گردد.

۱. علیرغم تمامی دخل و تصرف‌های انجام گرفته، نام تمامی این کتاب «The word of God» نهاده شده است.

2. Gen. 3 [22] And the LORD God said, Behold, the man is become as one of us, to know good and evil:

3. Gen. 3

[5] For God doth know that in the day ye eat thereof, then your eyes shall be opened, and ye shall be as gods, knowing good and evil.

4. [16] And the LORD God commanded the man, saying, Of every tree of the garden thou mayest freely eat:

[17] But of the tree of the knowledge of good and evil, thou shalt not eat of it: for in the day that thou eatest thereof thou shalt surely die.

۵. و علم آدم الاسماء كلها ثم عرضهم على الملائكة فقال انبئوني باسماء هؤلاء... (به آیات ۳۳ تا ۳۹ بقره و تفاسیر مربوط به این آیات مراجعه شود).

عبادات

از جمله تفاوت‌های بین مسیحیت و شریعت مبین اسلام، مربوط به حوزه مصطلح عبادات است. نگرش اسلام به این حوزه، دارای ویژگی‌هایی است که تبیین آن مؤثر در جهت‌دهی پژوهش‌های این حوزه است. دایره عبادات در شریعت عیسوی (به تفسیر و تعبیر مفسرین و متعهدین معاصر به آن)، آنچنان محدود است که بسیاری از آن در قالب امور فردی منحصر شده و پای از گلیم اجتماع بیرون کشیده است. عبادات در دین مسیحیت موجود، اموری هستند که انجام آنها ارزشمند است ولی غالب فرقی آنها را به صورت اموری اختیاری تلقی می‌نمایند و الزامی بر انجام آنها نیست. در همین حوزه مصطلح، اسلام عبادات الزامی فراوانی را بر عهده هر فرد مسلم قرار می‌دهد که عدم انجام و عدم قبول آنها بعضاً مساوی با خروج از دین محسوب می‌گردد. نتیجه اینکه:

با بسنده نمودن به چند نمونه فوق از مجموعه فراوان مفاهیمی که در زیر مقوله دین و دینداری قرار دارند، این نکته حاصل می‌شود که تفاوت‌های فراوان فی مابین اسلام و مسیحیت آنچنان است که با قراردادن یک لفظ مشترک تحت عنوان دین و دینداری برای پوشش دادن موضوعاتی که بعضاً تا سرحد تناقض با یکدیگر فاصله دارند، کفایت نمی‌کند. لذا، به یک‌گونه مواجه شدن برای مورد مطالعه قراردادن این دو دین، اشتباهات علمی فاحشی را موجب می‌گردد. نتیجه اینکه، با توجه به تفاوت بنیادین این ادیان که در سایه لفظ (یا الفاظ) مشترک مغفول می‌مانند، باید به دین‌پژوهی هم‌به‌عنوان یک «لفظ مشترک» با تفاوت‌های بنیادین نگاه نمود. به جهت ورود دقیق‌تر به بعضی نشانه‌های دینداری و در نظر گرفتن آنها برای سنجش دینداری، موارد زیر ارائه می‌گردد.

عبودیت در اسلام

موضوع عبادات در اسلام پا را بسیار فراتر از بخش مصطلح آن نهاده است. عبودیت در شریعت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) جان هستی است^۱ و میزان در این عبودیت برای انسان رسیدن عاقلانه و مختارانه به تسلیم محض است. که در قرآن کریم وقتی تجلی این عبودیت را به تصویر می‌کشاند، حضرت ابراهیم (علیه السلام) را مثال می‌زند و عدم تبعیت از آن را سفاقت (بی‌عقلی) می‌داند^۲ و بالعکس، علت این عظمت و برگزیدگی ابراهیم (علیه السلام) به عنوان پیشوای همه عاقلان را تسلیم و عبودیت محض او در مقابل خداوند تبیین می‌نماید^۳. در اسلام انسان کامل، یعنی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) عبدالله است.

۱. و ان من شیء الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم (اسراء ۴۴). و ما خلقت الجن و الانس الا لיעبدون (ذاریات، ۵۶)

۲. و من یرغب عن مله ابراهیم الا من سفه نفسه و لقد اصطفتنا فی الدنیا و انه فی الاخره لمن الصالحین (۱۳۰، بقره)

۳. اذ قال له ربّه اسلم قال اسلمت لرّب العالمین (۱۳۱، بقره)

بنابراین، مکیال و میزان قابل توجه و غیرقابل انکاری که می‌توان با آن به اندازه‌گیری دینداری پرداخت، عبودیت و تسلیم محض بودن مختارانه و عاقلانه در مقابل فرامین حق جلّ و علی خواهد بود. با ورود به درون دین اسلام و شریعت محمدی (ص) دریای بیکرانی از دستورات (اوامر و نواهی) در حوزه‌های مختلف فقه اکبر، اوسط و اصغر ارائه می‌گردد که با ترازوی عبودیت سنجیده شده‌اند. بنابراین شاید در مدل ترسیمی اسلامی برای سنجش دینداری صفحه زیرین را که سایر اجزاء در آن قرار می‌گیرند بتوان عبودیت قرار داد که شرط ورود به جرگه دینداری قلمداد گردد و ترسیم حد فاصل با بی‌دینی باشد. شاید به‌طور مختصر بتوان عناصر اصلی تشکیل‌دهنده عبودیت را (که قابل اندازه‌گیری از کم به زیاد است) بتوان به‌صورت زیر ارائه نمود.

الف: مبتنی بر اراده و تصمیم است.

ب: مبتنی بر تعقل، فهم، قبول و خلوص در تسلیم است.

ب: مبتنی بر شناخت و معرفت نسبت به معبود؛ و ابعاد، چگونگی و آثار گوناگون هر فعل از افعال عبودی است.

ج: مبتنی بر انجام صحیح و دقیق خود فعل است.

نکته جالب توجهی که می‌توان برای آن مدارک و استنادات فراوانی از درون این شریعت ارائه نمود آن است که هر چند عبودیت از ترکیب تمامی این اجزاء تحقق می‌یابد، لیکن هر جزء نیز عبادت تلقی می‌شود. به جملات نمونه‌ای زیر توجه شود:

نیت المؤمن خیر من عمله (اراده)

العقل ما عبد به الرحمن (تعقل)

اول الدین معرفت الله (شناخت معبود)

العامل علی غیر بصیره کسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعت السیر الا بعدا (شناخت عبودیت) من عمل صالحاً من ذکر او انشی..... (انجام صحیح فعل)

هر چند نکات اتصال دهنده فراوانی نیز هست که تبیین می‌نماید که عبادت ذو مراتب است. یعنی، عبادت کامل را مبتنی بر حضور همه‌جانبه و جامع این اجزاء برمی‌شمارد و سپس به درجات پائین سوق پیدا می‌کند تا جایی که، موارد و دلایل فراوانی که مبین سود و منفعت هر بخش به‌صورت مستقل است نیز وجود دارد^۱.

حوزه علمی دین اسلام

نکته اساسی دیگری که حائز اهمیت است، قراردادن کلّ دین‌پژوهی در دایره جامعه‌شناسی و بعضاً روان‌شناسی است. این در حالی است که به‌عنوان مثال، جامعه‌شناسی به‌معنای رایج آن، دین را به مثابه یک دستگاه معرفتی رقیب می‌شناسد و این مواجهه وقتی به موضوع مطالعه خود

۱. فمن يعمل مثقال ذره خیراً یره (زلزال، ۸)

«دین» می‌رسد و می‌خواهد آن را تحت عنوان «الهیات و جامعه‌شناسی» بررسی نماید، حتی به معضلات فراوانی می‌رسد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۷: ۶۰-۵۸). جنبه دیگر، خطری است که این محدودسازی ایجاد می‌نماید و آن دوایر و تنگناهایی است که به واسطه مرزبندی‌های رایج بین علوم محاط بر حوزه دین می‌گردد. شاید قراردادن دین و دینداری در قالب فردگرایانه غربی آن که مخصوصاً به دلیل انحراف از اصل خود، دامن خود را پس از رنسانس از اجتماع و سیاست و... جمع کرده است مسمحتاً، به صورت موضوعی از علوم اجتماعی و یا روان‌شناسی قابل استدلال باشد. این امر، برای دین مبین اسلام که حوزه خود را به تمامی زوایای زندگی انسان گسترده است و موضوعی را ورای تسلط خود ندارد، امکان‌ناپذیر است. به عبارتی دیگر، دینی که برای کل دایره هستی انسان و فعالیت‌های او در تمام عمر^۱ برنامه ارائه می‌دهد، در تنگنای مرزبندی‌های رایج یک یا دو علم نمی‌گنجد، هرچند این دو علم می‌توانند با دقت در حد و اندازه خود به گوشه‌هایی از آن بپردازند. به طور مثال: تفسیر آیه (و فیه تبیان کل شیء) را به هر صورتی که بپذیریم، انحصار در دایره هیچ حوزه علمی خاصی را بر نمی‌تابد، بلکه حضور نقش خود را در تمامی آنها طلب می‌نماید. نقش و توانایی‌های ابراز شده توسط دین اسلام در سیاست، مهندسی، شهرسازی، فرهنگ، اقتصاد، امنیت، دفاع و... بارز و آشکار است.

۲۹

برای روشنی بیشتر این موضوع، فراز زیر ارائه می‌گردد: «نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است! از یک دوره کتاب حدیث، که حدود ۵۰ کتاب است و همه احکام اسلام را در بر دارد، سه، چهار کتاب مربوط به عبادات و وظائف انسان نسبت به پروردگار است، مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است، بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه است... . نگذارید حقیقت و ماهیت اسلام مخفی بماند، تصور شود که اسلام مانند مسیحیت اسمی - و نه حقیقی - چند دستور درباره رابطه بین حق و خلق است و «مسجد» فرقی با «کلیسا» ندارد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ الف: ۵). در این لمح، منظور از اجتماعیات شکافته شده و حوزه عمل دین اسلام و مقایسه آن با دین مسیحیت نیز اشاره شده است.

تکیه بر آراء فلاسفه و متکلمان مسلمان

نکته ظریف محلّ تأمل دیگر اینکه، برای تهیه مدل‌هایی جهت دین‌پژوهی در جامعه اسلامی، تنها اتکا به آراء اجماعی فلاسفه و متکلمان مسلمان در مورد ابعاد وجودی انسان (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴) وافی به مقصود نیست. باید دقت نمود، علیرغم اهمیت بسیار بالای آراء مذکور، که در تبیین و ترسیم ابعاد دین و دینداری کارآمدند، برای تعیین مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و شاخص‌ها، بدون در نظر گرفتن آنچه که از نصّ آیات و روایات، یعنی آنچه که مستقیم از پایگاه وحی و عصمت،

۱. این دایره، با دستورات اجرائی، از قبل از ایجاد نطفه انسان تا پس از مرگ و دوران قبر او را نیز پوشش می‌دهد (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ الف).

توسط متخصصان دین‌شناس به دست می‌آید نمی‌توان بسنده نمود. یکی از دلایل این عدم کفایت، مقصد اندیشه آن بزرگواران است که ایجاد مدل و ابزار سنجش دین و دینداری نبوده است.

دین از نگاه دین

با توجه به غنای اسلام، هم تعاریف دین و دینداری را می‌توان از دیدگاه متقن و موثقی که مستقیماً توسط وحی و پیشوایان دین ایراد گردیده است جستجو نمود و هم ابعاد و محتوای ابعاد آن مفاهیم را. به نظر نویسنده، حتی الگوها را نیز می‌توان از مسیر جستجو و تحقیق در متن اسلام و از این ورودی مطمئن به دست آورد. کلماتی نظیر: «ما باید به مرتب اسلام عمل کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ب، جلد ۱۷: ۱۶۵) کم نیستند. البته این بدان معنا نیست که چنین مواردی هم اکنون موجود است، بلکه نیاز به اندیشه‌ورزی غواصان آگاه بدین در و مرجان‌ها دارد تا از دریای بیکران «فیه تبیان کل شیء» آنها را استخراج نمایند.

دین در بیان قرآن

به طور نمونه: قرآن دین را این‌گونه تبیین می‌نماید: ان الدین عند الله الاسلام (آل عمران، ۱۹) همانا دین در نزد خدا تنها اسلام است. در تفسیر این آیه آمده است که: «دین نزد خدای سبحان یکی است و اختلافی در آن نیست و بندگان خود را امر نکرده مگر به پیروی از همان دین و بر انبیای خود هیچ کتابی نازل ننموده مگر در مورد همان دین و هیچ آیتی و معجزتی برپانکرده مگر برای همان دین که آن دین عبارت است از اسلام، یعنی تسلیم حق شدن و به عقیده‌های حق معتقد گشتن و اعمال حق انجام دادن» (طباطبائی، ۱۳۸۳، جلد سوم: ۱۸۹-۱۸۸).

و یا آیه: و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه... (آل عمران، ۸۵) و هر کس بخواهد غیر از اسلام را به عنوان دین بپذیرد، از او قبول نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است (طباطبائی، ۱۳۸۳، جلد سوم: ۵۱۳). این دو آیه که به طور نمونه انتخاب گردید، از باب جامع و مانع بودن و اثبات شیء و نفی ما عدا است همان‌گونه که در بحث سابق نیز اشاره شد، شاید بتوان نتیجه گرفت که، این تسلیم در مقابل اوامر و نواهی الهی است که هنگامی که از اراده انسان سرچشمه گرفته شود، دینداری محسوب می‌گردد.

دین در بیان معصوم

به جهت تأمین منظور این نوشتار و نه برای ارائه بحث جامع و اقناعی در تبیین دین از بیان معصومین (علیهم‌السلام)، در اینجا به نمونه‌ای از تعاریف دین از بیان معصوم پرداخته شده است. این نمونه از خطبه اول نهج‌البلاغه اتخاذ شده است. حضرت امیرالمؤمنین، علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام) در تبیین دین در نخستین خطبه مندرج در نهج‌البلاغه این‌گونه می‌فرماید:

أول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده و کمال توحیده

الاحلاص له و کمال الاحلاص له نفی الصّفات عنه، (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: ۲۲).
سرآغاز دین، شناخت معبود یکتاست، در حالی که کمال این شناخت تصدیق ذات اوست و کمال تصدیق ذات او توحید است و کمال توحید و شهادت بر یگانگیش به اخلاص در عبودیت او منجر می‌گردد و در نهایت، کمال اخلاص آن است که او را از صفات ممکنات پیراسته دارند. به عبارتی؛ قلّه دین، نفی صفات از معبود یکتاست، که بر اثر کمال اخلاص در عبودیت او حاصل می‌گردد و اخلاص حاصل یکتا پرستی و یکتا دانستن او، با تأیید قلب نسبت به خداوندیش و این تأیید به واسطه معرفت و شناخت او آغاز می‌شود.

مراحل مطرح شده در این تعریف عبارت‌اند از:

- شناخت خداوند،
 - تصدیق قلبی این شناخت و قبول و باور به آن،
 - موحد شدن،
 - خالص شدن برای او،
 - پیراستن این خلوص با عاری نمودن او از تمامی صفات
- در نمودار شماره یک ارتباط این مراحل نمایش داده شده است.



نمودار ۱: مراحل و سطوح دینداری

در یک مرور بر سرفصل‌های این تبیین، می‌توان دریافت که قریب به اتفاق همه این موضوعات ریشه در خردورزی و تعقل ایمان‌آورنده دارد و مرحله به مرحله عمیق‌تر می‌گردد. این الگو منحصر به «فرد انسان» نیست، هم فرد انسان دیندار و هم جامعه دیندار، مخاطب آن است. همان‌گونه که مشهود است، این الگو و مدل ارائه شده از دین با آنچه که نزد علمای دین‌پژوه

رایج است (که در بالا به نمونه‌هایی از آن اشاره شد) تفاوت دارد. بر همین اساس، شاید بتوان تصوّر کرد که چرا اسلام در دینداری، ارزش‌گذاری ویژه‌ای برای خردورزی و تعقل و به تبعیت از آن، برای تفکر و تعلیم و تعلّم قائل شده است. سؤال اینکه: آیا اگر در یک جامعه مسلمان میزان گرایش به تعقل، تفکر، تعلیم و تعلّم تغییر یابد آیا ملاکی برای تغییر دینداری آنها محسوب می‌شود یا نه؟

آیا فعالیت‌های گوناگون شناختی ملاک و معیار رفتار دینی محسوب می‌شوند؟ با توجه به اینکه در دین اسلام نصوص متقنی در تبیین نقش این موارد وجود دارد، پاسخ این پرسش و امثال آن مثبت خواهد بود. لذا دایره‌ای از اوزان اندازه‌گیری متناسب با آن باید ایجاد نمود. این در حالی است که در روش‌های متداول سنجش و اندازه‌گیری دین و دینداری، آنچه که بیشتر مدّ نظر قرار گرفته، افعال و مناسکی است که به صورت برون‌داد دینداری بروز و ظهور می‌یابند و چنین موضوعاتی جانمائی نشده‌اند.

با توجه به فرازهایی از این دست، در مرحله‌ای که مسئله اندازه‌گیری پای در میدان می‌گذارد، باید بتوان با توجه به این جلوه‌ها از دین و دینداری، به مشاهده جامعه پرداخت تا به تصویر عادلانه‌ای دست‌یافت. بدیهی است که روش تحقیق و محتوای ابزار و رویکردها نیز جزئی از علم متغیّر و نو شونده‌اند که پردازش به آنها در رشد و تعالی این علم ایفای نقش می‌نماید.

مدل کلان محیط عمل مسلمان

به‌طور نمونه در اسلام، این دین است که تمامی اعمال انسان را مشخص می‌نماید. این عمل، شامل کلیه فعالیت‌های انسان اعم از فعالیت‌های عقلی (شناخت و بینش)، حوزه رفتاری (رفتار فردی و اجتماعی)، حوزه روانی حرکتی و حوزه عاطفی می‌باشد، در بیان شریف قرآن آمده است که: «و ما خلقت الجنّ و الانس الا ليعبدون (آیه ۵۶ سوره ذاریات)». یعنی «و جن و انسان را نیافریدیم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند» (قرآنی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۲۶۵).

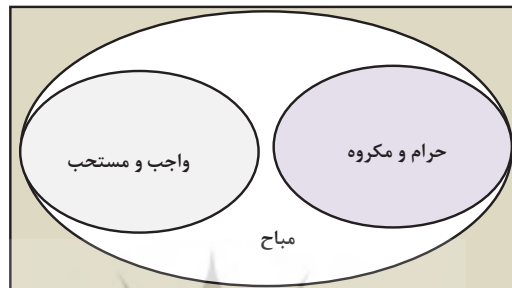
از اینکه در آیه شریفه به‌وسیله نفی و استثنا، غرض را منحصر در عبادت کرده فهمیده می‌شود که خدای تعالی به آنان که عبادتش نمی‌کنند هیچ عنایتی ندارد (طباطبائی، ۱۳۸۳، ج ۱۸: ۵۸۳) توجه به این نکته، که حقیقت «عبادت» در این کریمه، معادل غرض نهائی از خلقت است، که بنده از هر چیز دیگر بریده، به یاد پرودگار خود باشد و او را ذکر گوید (طباطبائی، ۱۳۸۳، ج ۱۸: ۵۸۲)، در سنجش دین و دینداری ضروری است.

پس از این با مراجعه به متون و منابع دین مواردی که محیط عمل مسلمان را ترسیم می‌نمایند در پنج دسته کلان زیر تقسیم شده‌اند:

۱) و ۲) اعمال واجب و اعمال مستحب؛ (۳ و ۴) اعمال مکروه و اعمال حرام؛ و (۵) اعمال مباح. با چنین مرزبندی کلان، فرد و جامعه مسلمان ملزم به انجام واجبات و عدم انجام محرّمات بوده و بهتر است کارهای مستحب را نیز اتیان و از آنچه که مکروه معرفی شده است پرهیز

کند. سایر موارد که در این چهار طایفه اعمال قرار نمی‌گیرند بنا به‌خواست الهی اجازه داده شده است تا فرد به اختیار خود انجام دهد و یا اقدام ننماید.^۱ با در نظر گرفتن چنین فرازی، بدون پرداختن به مباحث نقلی و عقلی می‌بین این موضوع، می‌توان این مجموعه را در یک مدل و طرح کلی به‌شرح زیر تنظیم و ارائه نمود.

محیط کلی اعمال انسان و جامعه در اسلام



نمودار ۲: محیط عمل مسلمان

مدل ساده و فراگیر فوق هم در مباحث فرد و هم اجتماع و در همه حوزه‌های حیات انسان از جمله موضوعات معرفتی، رفتاری و عاطفی، حاکمیت دارد.^۲ از ترکیب زیربنای کلی و صفحه زیرین (محیط عمومی) عبودیت و تقسیم زیرمجموعه آن به‌شکل فوق، مقدمات تنظیم مدل و الگویی برای سنجش دینداری فراهم می‌گردد.

از آنجا که این مقاله در صدد مطرح نمودن تفاوت بین اندازه‌گیری دینداری از نگاه غرب و اسلام از جنبه‌های مختلف است و ورود به مقولات متنوع این حوزه اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. یکی از این مقولات مهم و بنیادین، اوزانی است که دین اسلام در درون خود برای ابعاد مختلف دینداری ارائه نموده است تا میزان متناسبی را برای سنجش دینداری راهنمایی نماید.^۳

۲. میزانی متناسب برای اندازه‌گیری دینداری

شاید نگاه پیشتر محدود شده محققین داخلی در دایره حرکت محققین غربی، موجبات عدم نوآوری و خلاقیت را نیز به‌بار آورد و به نوعی عامیانه‌نگری در مباحث اندازه‌گیری علمی روی آورده شود. در اینجا به پاره‌ای از این‌گونه موارد اشاره می‌شود.

۱. از آن جهت که اذن به مباح بودن نیز از جانب شارع مقدس است و اختیار انجام و عدم انجام آن به مؤمن واگذار شده است از جنبه تبعیت از شارع، عبادت محسوب می‌شوند.
۲. در این الگوی ترسیمی، اندازه‌ها به‌طور دقیق مدنظر نبوده و فقط تبیین سه‌حوزه مورد توجه بوده است.
۳. ممکن است این سؤال مطرح شود که انتظار از این مقاله، ارائه یک مدل و مسیر و روش جدید در سنجش دینداری مسلمان ایرانی است. این مقاله اندک، درصدد توصیف مسئله است تا در اثر توجه محققین دین‌پژوه، بتوان با مطالعه و تأمل و خردورزی، به مدل مطلوب انشاءالله دست یافت.

وزن عبادات

به نظر می‌رسد بسیاری از اوزان ارائه شده توسط دین مبین اسلام، متفاوت با برداشت‌ها و برخلاف تصوّر عامه مسلمانان باشد و آنچه که نگارنده در این مقاله در پی آن است بازگشت به اوزان متناسب با دستورات الهی است.

داستان آن مرد و امام صادق در محاسبه ده به یک عمل حسنه و سیئه و پاسخ معصوم، در دست است، در اینجا با مواظبت از چنین احتمالاتی موارد زیر ارائه می‌گردد.

در اسلام، علاوه بر واجبات، بخش ویژه‌ای از موضوعات عبادی مرتبط با حالات روحی انفرادی و فرو رفتن فرد در انجام اعمالی است که آنها را به‌طور مصطلح «عبادت» نام می‌نهند. این اسم خاص موجب گردیده که مفهوم عبادت غالباً به نفع این بخش خاص مصادره شود. نمازهای مستحبی، اذکار، روزه‌های مستحبی، زهد فردی و... که در متون دینی نیز فاعل این افعال را تحت عنوان «عابد» و «زاهد» معرفی نموده است. این سلسله اعمال مطلوب بوده و اهمیت فراوان آن مورد توجه اسلام است. اما، موارد فراوانی از امور وقتی برای مقایسه در طرف دیگر ترازویی که یک کفه آن با این وزنه‌ها پر شده است قرار می‌گیرند، اهمیت و ارزش و اعتبار آنها را از نظر دین اسلام تبیین می‌نماید. برای بازگشایی این معنا، نمونه‌های زیر ارائه می‌گردد.

– در حوزه امور اجتماعی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: من اصبح و لم یهتّم بأمر المسلمین فلیس بمسلم، این فراز با صراحت مرز خروج از اسلام را با بی‌توجهی به اعضای کلّ جامعه جهانی اسلام و تک اعضا آن تبیین نموده است. وزن و بار منفی عدم همت گماشتن به امور مسلمانان، نتیجه دیگری را ترسیم می‌کند و آن جهت مثبت یافتن وزن عبودیت کسانی است که زندگی آنها با وجهه همت قرار دادن امور مسلمین به تناسب توأم می‌باشد.

این امر تا آنجا پیش می‌رود که دایره گسترده‌تری را در جهت مثبت ترسیم نموده و می‌فرماید: الناس کلّهم عیال الله فاحبّهم الیه انفعهم لعیالہ (نهج الفصاحه، ۲۹۲۲). همه مردم وابستگان خداوند هستند و بهترین آنها نزد خداوند کسی است که برای وابستگان خدا سودمندتر باشد. در اینجا مردم به‌صورت عام مورد توجه اسلام قرار می‌گیرند و نفع‌رسانی به آنها دستور داده می‌شود و برای تأکید بر بار منفی عدم توجه به افراد جامعه مسلمان (و شاید حتی همه انسان‌ها) می‌فرماید: من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم. مسلمان با عدم پاسخ‌گوئی به فریاد نیازخواه، از دایره مسلمانی خارج است و یا از جنبه اثباتی می‌فرماید: انا و کافل الیتیم کهاتین فی الجنّه (نهج الفصاحه، ۳۲۰۹). جایگاه عهده‌دار امور یتیم با جایگاه پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) در بهشت پهلوی به پهلوی می‌زند و در جائی رضای خداوند را در رضای پدر و مادر و خشم او را در خشم آنها می‌داند، رضا الرب فی رضا الوالدین و سخطه فی سخطهما (نهج الفصاحه، ۸۰۳) حتی برای تلاش فرد مسلمان به جهت رفع نیازمندی‌های خانواده خود نیز وارد میدان شده

و می‌فرماید: الكادُّ لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله. کسی که برای رفع نیازمندی اقتصادی زندگی خانواده خود کوشش می‌کند همانند مجاهدی است که در راه خدا به جهاد و مبارزه می‌پردازد. با توجه به وزن این اقدامات اجتماعی، شاخص‌های دینداری و اوزان آنها در مقایسه با عباداتی نظیر نمازها و روزه‌های مستحبی، حائز اهمیت فوق‌العاده بوده و لذا متناسب با وزن خود باید در زمره اندازه‌گیری‌ها در پژوهش‌های دینداری قرار گیرد. بدیهی است چنین اقدامی، برای تعیین حوزه‌های اصلی و فرعی از یک‌سو و از سوی دیگر تعیین وزن مناسب آنها در تبیین دینداری، نیازمند فعالیت عالمانه، خلاق و دقیق دارد.

– در حوزه تعقل و تفکر و علم

در اسلام، ارزش فکر کردن بسیار بالاست تا جائی که: لا عباده کالتفکر (شهید ثانی، ۱۳۵۹). هیچ عبادتی هم وزن با تفکر نیست. ذکر بدون قید و شرط چنین عبادت بی‌مانند، چه وزنی را باید داشته باشد؟ به‌همین دلیل، در جهت تعیین وزن این عبادت بسیار مهم از نظر اسلام پیامبر می‌فرمایند ارزش یک ساعت فکر کردن از شصت سال عبادت برتر است. فکرة ساعة خیر من عبادة ستین سنة (نهج‌الفصاحه، ۹۶۸). چنین ضریب کمی برای یک ساعت تفکر تعیین شده است که می‌تواند در تعیین وزن این شاخص در مطالعات بهره‌گیری شود. از موارد متکی به تفکر، علم است. توجه به این موضوع نیز با ضرائب سنگین ارائه شده است. جایگاه عالم در هستی و درجه رفیع او را چنین بیان نموده است که: فضل العالم علی العابد سبعین درجه مابین کل درجتین کما بین السماء و الارض (نهج‌الفصاحه، ۲۴۸۵). برتری دانشمند مسلمان به عابد مسلمان، هفتاد درجه است که فاصله هر درجه با درجه بعدی مانند فاصله بین آسمان و زمین باشد و باز برای دقیق‌تر معرفی نمودن ارزش عبادی علم وزن این عبادت را این‌گونه ترسیم می‌نماید: ساعة من عالم متکی علی فراشه ینظر فی علمه خیر من عبادة العابد سبعین عاماً (نهج‌الفصاحه، ۲۵۱۹) ارزش یک ساعت از عمر عالمی که بر بستر خود تکیه زده و در دانش خود نگاه می‌کند (مثلاً مطالعه می‌کند) افزون از هفتاد سال عبادت عابد است^۱ و روز قیامت مدد علما و خون شهیدان با یکدیگر سنجیده می‌شوند و مدد علما از خون شهیدان سنگین‌تر می‌شود (نهج‌الفصاحه، ۲۵۴۶). به‌راستی این همه تعیین اوزان برای چیست، آیا نمی‌توان از آنها در اندازه‌گیری‌ها راهنمایی گرفت و استفاده نمود؟

– در حوزه ولایت‌مداری

در باب وزن این حوزه از عبودیت نیز چنین آمده است: بنی الاسلام علی خمس؛ الصلوه و الصوم والحج و الزکوة و الولایه و ما بناء اوثق من الولایه. اسلام بر پنج پایه تشکیل شده که

۱. در بیان اهمیت علم و دانشمند و اینکه از نظر اسلام به چه چیز علم گفته می‌شود و به چه کس دانشمند، نیاز به مبحث مستقل و وثیق دارد. به‌طور اجمال، صحنه اسلام بر علم ادیان و علم ابدان و علم نافع برای حوزه‌های مختلف نیاز مسلمانان، را می‌توان متذکر شد.

عبارت‌اند از نماز و روزه و حج و زکات و ولایت؛ و هیچ بنائی از این پنج بنا به ارزش و اهمیت ولایت نیست. اینکه ولایت و مصادیق آن چیست و کیست و در هر زمان چگونه است محل این موضوع نیست، مهم ارزش و اعتباراتی است که به اموری در ارتباط این محور مهم ارائه شده است. به‌عنوان نمونه؛ بدون شک یکی از این مصادیق حضرت امام رضا (علیه‌السلام) هستند. به‌جهت اهمیت موضوع، ثواب زیارت قبر ایشان معادل هفتاد هزار حج ارائه شده است (مفاتیح الجنان، ۸۲۲). این وزن عمل است و شاید در برآوردها جای خود را باید محفوظ داشته باشد. تبعیت از ولایت ائمه معصومین، در تبعیت از اوامر و نواهی آنهاست. تبعیت از ولایت فقیه در زمان غیبت یکی از مصادیق بارز این تبعیت است. در این باب نیز، احکام اندازه‌ها برقرارند.

اوزان منفی

علاوه بر جهات مثبت، اسلام در ارائه اوزان اقدامات و افعال منفی و موارد خلاف، یعنی نواهی اسلام نیز به تبیین پرداخته است. مثلاً دروغ را کلید همه گناهان می‌شمارد و یا غیبت را مساوی با خوردن گوشت بدن مرده برادر برمی‌شمارد. برای ربا هفتاد و سه درجه است که آسان‌ترین آن مثل گناه کسی است که با مادر خود ازدواج کند (نهج‌الفصاحه، ۲۱). با توجه به طولانی بودن مبحث، به‌همین اشاره کفایت می‌گردد.

نتیجه اینکه:

اینها مواردی است که میزان و ترازوی دین اسلام، اهمیت آنها را با وزن‌های دقیق کمی^۱ (آنچه که از ظاهر این روایات بر می‌آید) تبیین نموده است.

اینها نمونه‌هایی برای اشاره و ورود به موضوع است. بدیهی است که اوزان مختلفی که برای اعمال در مقایسه با یکدیگر در متون نقلی ارائه شده است، نیازمند تنظیم و ترتیب و ترتب داشته و تقسیم‌بندی‌هایی را به‌جهت عام و خاص، مطلق و مقید بودن و... لازم دارند تا بتوان از آنها در جای مناسب بهره برد. در این رابطه، حوزه‌های فراوانی که احصای آنها، اولویت‌بندی، حوزه‌بندی و... آنها نیازمند کار فنی وسیع و دقیق است، رخ می‌نمایند. بدین ترتیب، گام‌هایی در جهت مدل‌سازی کمی و کیفی برای تبیین دینداری جامعه مسلمان شامل: مدل‌های کلان، زیرمدل‌های متنوع و مدل‌های هم‌جوار لازم است برداشته شود تا بتوان هم دینداری در حوزه عام و هم در حوزه‌های تخصصی را سنجش نمود.

با توجه به موارد فوق‌الذکر این باب باز می‌شود که در اندازه‌گیری‌های دینداری در جامعه اسلامی ایران، تا چه حد این اوزان رعایت گردیده‌اند. به‌نظر محقق، با توجه به جامعیت اسلام و راهنمایی‌های نظام‌مند آن، خروج از این مسیرهایی که برای جهت دادن اندازه‌گیری‌ها توسط

۱. از بیانات کمی، ممکن است منظوره‌های دیگری نیز مد نظر شارع مقدس باشد، لیکن نمی‌توان استفاده از اعداد و تمثیل‌ها را العیاذ بالله «تخیلی» و «بدون حکمت» تلقی نمود. چرا این‌گونه تصور نشود که این اعداد و مثل‌ها بر مبنای حکمت و شناخت غیب امور است و استفاده از آنها برای حوزه تحقیقات امروزی نیز بخشی از این حکمت باشد.

خود دین مبین اسلام ارائه شده است، موجبات انحراف در اندازه‌گیری را فراهم آورده است. به‌طور نمونه در حوزه اندازه‌گیری تخصصی؛ مثلاً آیا در اندازه‌گیری میزان دینداری دانشجویان وزنی را که طلب علم از نظر عبادت ایجاد می‌نماید توانسته‌ایم به‌نحوی رعایت کنیم که بنا به قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله):

من أحبّ ان ينظر الی عتقاء الله من النار، فليُنظر الی المتعلّمين، (شهبید ثانی، ۱۳۵۹: ۳۴)

آیا کسی از شما هست که علاقه‌مند به دیدار چهره آزادشدگان از آتش داشته باشد؟ اگر چنین اشخاصی را می‌خواهید ملاقات کنید پس به چهره دانشجویان نگاه کنید. توجه و ملاحظه این وزنه بسیار مهم، در مطالعه دینداری جامعه دانشجویی است که اعلام‌نظر در مورد دینداری آنها را در یک سطح و رتبه بسیار بالایی در جامعه قرار می‌دهد، در حالی که ابزارهای سنجش دینداری امروزی ما بی‌مهابا و بدون در نظر گرفتن این حقیقت، نوعی دیگر از آمار و اطلاعات را منتشر می‌سازند. از این دست وزن‌کشی‌های عبادی که برای تعیین دینداری در هر حوزه به‌صورت تخصصی می‌تواند مورد بهره‌برداری واقع گردد کم نیستند. این موضوع در بازار اقتصادی، به یک صورت و در بازار سیاسی، در حوزه‌های متنوع اجرائی و مدیریتی و... به انحاء دیگری خواهد بود. می‌توان تصور کرد که اسلام در صدد تعیین جهات و اولویت‌های خود، بندگان را راهنمایی به بهترین اعمال و بهترین بهره‌برداری‌ها از سرمایه عمر می‌نماید و لذا با تدبیر ربّانی حق جلّ و علی و حکمت حاکم بر عالم خلق و امر، این اوزان را به‌جهت تعالی خلق و لقاء الله وضع نموده تا هدایت به‌نحو جامع برای تمامی استعدادهای بشر محقق گردد. عبور ساده و یا عدم توجه به عمق غرض از این اوزان، احتمالاً ایجاد انحراف از این مسیر تعیین شده الهی خواهد بود.

واقعیت دومرتب دین اسلام این است که شامل درجات فراوانی است. درجاتی که دینداری را برای اصحابی چون اباذر و سلمان (رضوان الله علیهما) نیز متفاوت می‌سازد. هرچند تمامی دین و وظائف مبتنی بر آن، در قالب یک دین موحدانه همه‌جانبه به‌دقت ترسیم شده‌اند^۲ و وظائف دینی برای دینداران در جایگاه‌های مختلف بسیار متفاوت است. لذا ترسیم دینداری، به‌صورت عام اجتماعی آن، بدون توجه به تنوع و تلسون وظائف دینداری در حوزه‌های مختلف را امری بس مشکل می‌نماید. بدین‌سان نوع و گونه دینداری و انجام وظائف دینی در حالات مختلف و برای افراد مختلف و در امور متفاوت، گوناگون به‌نظر می‌رسد. اموری موجب می‌شود تا دیندار تحت‌تأثیر اوضاع درون و برون و در شرائط گوناگون حسب وظیفه دینداری خود، به برخی از ابعاد دین اهتمام و نسبت به ابعادی بی‌اعتنا بماند. منظور نمودن این تفاوت‌ها و اختلافات و درجات، بخشی از عواملی است که حوزه پژوهش دینداری با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

۱. دانشجو، در اینجا مفهوم عام هرکسی است که به‌دنبال کسب علم است، از جمله، دانشجو به‌معنای اصطلاحی امروزی آن را نیز می‌تواند دربرگیرد.

۲. اگر آنچه سلمان از دین می‌داند به اباذر ارائه نماید او... می‌شود.

۳. فیه تبیان کل شیء

چگونه باید عمل کرد

معمولاً حوزه‌های عمومی دینداری بیشتر مورد توجه محققان در پژوهش‌های دینداری اجتماعی واقع گردیده است. بدین لحاظ شاید توجه جامع به ابعادی که بخشی از آنها مربوط به حوزه‌های خاص است کمتر صورت پذیرفته است. علاوه بر این، در همین بخش عمومی، موارد مهم و اهم و حوزه‌های گوناگون دینداری و وجوه متعدّد آن تفکیک نشده و وزن‌دهی نگردیده‌اند. اگر به‌عنوان مثال تقسیم‌بندی مرسوم پارسونز را مدنظر قرار دهیم، موضوع اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع هر کدام سرفصل طبقاتی از امورند که دینداری در هر کدام از آن حوزه‌ها، علاوه بر بخش عمومی که شامل همه است، بخش تخصصی و ویژه‌ای را نیز شامل خواهد شد که تعیین آنها برای اندازه‌گیری عبودیت در هر سه حوزه فقه اکبر، اوسط و اصغر را طلب می‌نماید. لذا، از یک‌سو، عموم و خصوص نمودن اوزان متناسب با شغل، جایگاه و وظائف را باید وجهه همت قرارداد. از سوی دیگر، مطلق و مقید بودن این شاخص‌ها نیز باید مورد تأکید قرار گیرند

نتیجه‌گیری

برآیند مطلوب از این نوشتار، بر این خواست تأکید دارد که اندازه‌گیری صحیح، غیرانحرافی و معتبر دینداری در جامعه اسلامی ایران، بدون توجه به محتوای برخاسته از خود دین مبین اسلام ممکن نیست. لذا تقلید از اندازه‌گیری‌های رایج غربی بدون دقت در این معانی، ضرررسانی جاهلانه (و شاید در بعضی موارد عامدانه) را دربر خواهد داشت. در دین مبین اسلام، عامل اصلی برای اندازه‌گیری همان عبودیت خداوند است. فراوان‌اند عوامل تعیین‌کننده‌ای که توسط خود دین معرفی و معیار تعیین وزن و ارزش عبادی شده‌اند و با بهره‌برداری از آنها و تنظیم طبقه‌بندی‌های مناسب از آنها، می‌توان برای اندازه‌گیری صحیح دین و دینداری در جامعه اقدام نمود. تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و الگوهای مورد توجه دین از نگاه دین اسلام و تهیه اوزان مناسب با آن از طریق راهنمایی خود دین، راهگشای پرهیز تقلید از ابزارها و الگوهای است که برای اندازه‌گیری دین و دینداری توسط سایر ادیان فراهم شده‌اند. توجه به حوزه‌های خصوصی و متنوع فردی و اجتماعی، موجب می‌شود تا فهم دقیق‌تری از دینداری در موارد عام و خاص حاصل شود و دامنه پژوهش‌های دینداری، به اقصا نقاط مسائل فردی و اجتماعی گسترش یابد. بدین ترتیب قلمرو سنجش دینداری دقیق‌تر و به واقع نزدیک‌تر می‌شود. بهره‌برداری از محتواهای مطروحه در متن دین اسلام، کارگشای تعیین مؤلفه‌ها، ابعاد و ویژگی‌ها و شاخص‌های مناسب خواهد شد و انحراف از مسیر صحیح سنجش دینداری را سد می‌نماید.

منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۷۲). تهران: انتشارات سروش.
۲. نهج الفصاحه. (۱۳۸۵). تصحیح و ترجمه علی‌اکبر میرزائی. قم: انتشارات عصر جوان.
۳. نهج البلاغه. (۱۳۷۵). سیدکاظم محمدی و محمد دشتی. بی‌نا: نشر امیر المؤمنین.
۴. مفاتیح الجنان. (۱۳۸۹). شیخ عباس قمی. قم: نشر آثار قدس.
۵. امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸ الف). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸ ب). صحیفه امام. جلد ۱۷. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۲). تهیّه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام. قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
۸. بهرامی، احسان. (۱۳۸۰). بررسی مقدمات میزان اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس جهت‌گیری مذهبی. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. سال ۳۱. ش. ۱.
۹. جان‌بزرگی، مسعود. (۱۳۷۸). بررسی اثر روان‌درمانگری کوتاه مدّت «آموزش خودمهارگری» با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). متن سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه. تهران: نشر داخلی.
۱۱. خدایاری‌فرد، محمّد و همکاران. (۱۳۷۸). تهیّه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان. تهران: گزارش نهائی طرح پژوهش. با پشتیبانی اجرائی دانشگاه صنعتی شریف.
۱۲. سیّد رضی. (۱۳۸۶). نهج البلاغه. محمّد رضا آشتیانی و محمّد جعفر امامی. قم: مدرسه الامام علی‌بن ابیطالب.
۱۳. شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ششم. شماره ۱. ص ۶۶-۳۴.
۱۴. شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۷). نسبت جامعه‌شناسی دین با الهیات و کلام. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره نهم. شماره ۱ و ۲. ص ۷۹-۵۸.
۱۵. شهید ثانی. (۱۳۵۹). آداب تعلیم و تربیت در اسلام. محمدباقر حجتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. طباطبائی، سیدمحمد حسین. (۱۳۴۲). تعالیم اسلام. قم: انتشارات دارالتبلیغ اسلامی.
۱۷. طباطبائی، سیدمحمد حسین. (۱۳۸۳). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. علوان آبادی، سید احمد. (۱۳۵۲). مقایسه‌ای در طرز فکر مذهبی کلاس سوم دبیرستان‌های اسلامی و غیراسلامی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی. تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
۱۹. قرائتی، محسن. (۱۳۸۵). تفسیر نور. قم: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. کاظمی، عباس و مهدی فرجی. (۱۳۸۸). سنجش‌های دینداری در ایران. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
۲۱. گلریز، گلشن. (۱۳۵۳). پژوهشی برای تهیّه مقیاس نگرش مذهبی و بررسی رابطه بین نگرش مذهبی با سایر بازخوردها و خصوصیات شخصیتی. پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی. تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

۲۲. مصباح، محمد تقی. (۱۳۷۷). *آموزش عقاید*. تهران: مرکز نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). *آشنائی با علوم اسلامی*. چاپ ششم. تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. همتی، همایون. (۱۳۷۹). *شناخت دانش ادیان*. تهران: انتشار نقش جهان.
۲۵. سه موج اندازه‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲؛ و ۱۳۸۳. (طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

26. *Bible, King James. Version 2010.*
27. Cornwall, M.; S. L. Albercht; P. H. Cunningham & B. L. Pitcher. (1986). *The Dimensions Religiosity: A Conceptual Model with an Empirical Test*. Review of Religious Research. 27: 226-244.
28. Glock, C. & R. Stark. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.
29. Hill, p. c. & R. Hood. (1999). *Measures of Religiosity*. Birmingham: Religious Education Press.
30. Hoge, D. R. (1972). A Validated Intrinsic Religious Motivation Scale. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 11: 369-376.
31. Koenig, H.; K. Linda & B. Peterson. (1998). Religiosity and Remission of Depression in Medically Older Patients. *American Journal of Psychiatry*. 155: 536-542
32. Lenski, G. (1961). *The Religious Factor*. Garden City. NY: Doubleday.
33. Luckow, A.; K. L. Ladd; B. Spilka; D. N. McIntosh; C. Parks & D. La Forett. (1997). The Structure of Prayer. *Unpublished Manuscript, University of Denver*. Denver. Co.
34. Oxman, T. E.; D. H. Freeman & E. D. Manheimer. (1995). Lack of Social Participation Or Religious Strength and Comfort as Risk Factors for Death after Cardiac Surgery in the Elderly. *Psychosomatic Medicine*. 57 (1): 5-15.
35. Pargament, K. L.; G. Harold; K. Perez & L. Perez. (2000). The Many Methods of Religious Coping Development and Initial Validation of the People. *Journal of Clinical Psychology*. N. 56 (4): 519-43.
36. Pargament, K. L. & H. Olsen. (1992). God Help Me. *Journal of Scientific Study of Religion*. Vol. 37. Issue. 4.
37. Thouless, R. (1935). The Tendency to Certainty in Religious Belief. *British Journal of Psychology*. V. 26. 16-31.